

A Quranic interpretation of the influence of objective evidence on behavior; Objectivity Acceptance as a Descriptive Model of Human Behavior

Ali Abdulahi Nisiani*

Ahmad Abbasi Fard**

Abstract

The lack of "Descriptive Models of Human Behavior" (DMHB) is one the oldest anomalies in behavioral sciences, especially Organizational Behavior Management. On one side, various sciences demand this kind of behavior model; on the other side, modeling the behavior is as problematic as understanding human internal situations and environmental complexity. DMHBs are significant because they have multi-disciplinary usage (economics, ergonomics, social psychology, management, etc.), and DMHBs are the necessary foundations for developing prescriptive techniques in controlling and directing human behavior. In this paper, we developed a new model of human behaviors. Objectivity acceptance explains the causes of some kinds of human decisions and behaviors. This model recognized and explained through deep studies of Quran and the scientific literature of DMHB. In this research, Quran is the source of ideas to find DMHB; moreover the guide of explaining DMHB. This paper tried to explain the model in a scientific standard structure as the "Ideal Type of DMHB". In addition, its relation to other renowned theories was discussed. The basic methodology and all the steps of this research in preparing, organizing text, studying, documentation, coding, abstraction, and conclusions were based on qualitative content analysis. Therefore, the "validity" and "trustworthiness" of research are obtained by three criteria "credibility", "dependability", and "transferability".

Key Words: A descriptive model of human behavior, objectivity acceptance, qualitative content analysis, organizational behavior management, Quran.

* (Corresponding Author), Assistant professor of management of Research Institute of Hawzah and University, a.abdollahy@gmail.com.

** Assistant Professor, Department of Islamic University, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran, aafard20@yahoo.com.

تحلیلی قرآنی از تأثیر شواهد عینی بر رفتار؛

معرفی یک مدل توصیفی رفتاری

علی عبدالهی نیسیانی*

احمد عباسی فرد**

چکیده

گاهی در عمل مشاهده می‌شود افراد همان حساسیت و دقتی که هنگام تصمیم‌گیری برای خرید یک گوشی همراه دارند را نسبت به خرید سهام یک شرکت در بازار سرمایه ندارند. در اینجا فرایند خرید سهام یک شرکت در بورس اگر چه منافع و مضرات بالقوه بیشتری از فرد را درگیر خود می‌کند؛ ولی -برخلاف یک گوشی همراه- مبتنی بر شواهد ذهنی است. چگونه عینی بودن ملاک‌ها و شواهد یک موضوع می‌تواند بر نوع رفتار و تصمیم‌گیری‌های ما تأثیرگذار باشد؟ برای تحلیل اصولی این سؤال باید یافته‌های علمی در چارچوب مدل رفتاری ارائه شوند؛ اما چالش دیگر آن است که اساساً از مهمترین چالش‌های مرتبط با علوم رفتاری کمبود مدل‌های توصیفی رفتاری در منابع علمی بشری ذکر شده است. بنابراین این پژوهش مدل رفتاری عینی‌پذیری انسان را با کمک از منبع الهی قرآن کریم تبیین و ارائه می‌نماید. «این مدل رفتاری بیان می‌کند که انسان‌ها تمایل دارند که رخدادهای محیطشان را به صورت عینی‌تری ادراک کنند -و برای این تمایل خود گاه عجله نیز می‌کنند- چون شواهد عینی به ایشان آرامش می‌دهد. انسان‌ها معمولاً به میزانی که مصادیق عینی متعددی مشاهده کنند -نسبت به شواهد ذهنی- زودتر قانع شده و تصمیماتی می‌گیرند که تأییدکننده آن شواهد عینی باشند. در این مقایسه، میزان منفعت و ضررهای ذهنی تأثیر کمتری -از آنچه پیشتر تصور می‌شده- در جهت‌گیری تصمیمات افراد دارد». مدل عینی‌پذیری به‌وسیله «روش تحلیل محتوای کیفی انطباق‌یافته با متن قرآن کریم» کشف شده و در نهایت توضیح داده شده که این مدل رفتاری در عرصه‌های دانشی و کاربردی چه جایگاهی دارد و قابل استفاده خواهد بود.

واژگان کلیدی: عینی‌پذیری، رفتار، انسان، مدل توصیفی، قرآن.

مقدمه

برای اینکه بتوان به صورت اصولی تأثیر عینی‌پذیری را بر رفتار انسان تبیین نمود لازم است که مدل توصیفی مربوط به آن توسعه یابد. چالش اصلی این پژوهش توسعه یک مدل رفتاری جدید است. بنابراین قسمتی از بیان مسئله و ادبیات نظری به چگونگی شکل‌گیری مدل توصیفی پرداخته می‌شود. در ادامه با کمک چارچوب نظری (تیپ ایدئال مدل‌های رفتاری) و به‌کار گرفتن روش تحلیل محتوای کیفی، گام‌به‌گام و مستدل آیات قرآن بررسی می‌شوند؛ تا چگونگی تأثیر عینیت بر جهت‌گیری‌های رفتاری انسان مشخص شوند.

بیان مسئله

در سال‌های اخیر و در هنگامه رونق بازار سرمایه کشور، تعداد زیادی افراد وارد بورس شدند که از آنها برخی رفتارهای تکرارشونده و قابل توجهی مشاهده می‌شد. مثلاً اینکه برخی از این افراد - با وجود اینکه مشغول به سرمایه‌گذاری قسمت عمده از دارایی زندگی‌شان بودند؛ - ولی با حداقل شواهد و اطمینان بیش از حد به نشانه‌ها و گفته‌های دیگران در مورد سهام یک شرکت تصمیم‌گیری می‌کردند. درحالی‌که همین افراد در همان زمان برای خرید کالاهای ارزان‌تر زندگی همچون گوشی همراه و اینکه در قبال چه مسائل فنی آنچه بهایی قرار است پرداخت کنند بسیار سخت‌گیرتر بوده و گاهی تا چندین روز وقت صرف آن می‌کردند. در چنین مواردی نکته قابل توجه این است که میزان سودآوری یا ضرر بالقوه علت اصلی صرف توجه و زمان برای تصمیم‌گیری افراد نبوده. زیرا سهام بورس گاهی تا میلیون‌ها برابر بیش از گوشی همراه سودآوری و یا ضرر بالقوه داشته. همچنین میزان ابهام اطلاعاتی در خرید یک سهام یا یک گوشی همراه تفاوت چندانی ندارد. و حتی شاید بتوان شرایط اطلاعاتی خرید یک سهم را شفاف‌تر از یک گوشی همراه ارزیابی کرد. مهم‌ترین چیزی که از اظهارات ایشان استنباط می‌شد این بود که معیارهای ارزیابی سهام بورسی مبتنی بر محاسبات -ولو ساده- ذهنی هستند که چنین معیارهایی تأثیر کمتری در تصمیم‌گیری نسبت به قابلیت‌های ملموس و عینی موجود در گوشی همراه دارد.

علم مدیریت رفتار سازمانی را از زمره «علوم ناموفق» می‌دانند (هرسی و بلانچارد، ۱۹۷۷، ص ۱-۲). ریشه مشکلات علوم ناموفق مشترک است و آن «دشواری مدل کردن رفتار انسان» است. تاکنون تلاش‌ها و فنون مختلفی برای درک و پیش‌بینی رفتار انسان ارائه شده‌اند. هرچه علوم، هدف‌شان مربوط به تغییر در دانش و نگرش عمومی ما انسان‌ها نسبت به پدیده‌های جهان باشد (مانند علوم طبیعی و ریاضی) وظیفه آسان‌تری دارند و موفق‌تر بوده‌اند و در مقابل هرچه هدف آن

علوم بیشتر مربوط به تغییر در رفتار خود انسان‌ها باشد (در علوم رفتاری) وظیفه دشوارتری داشته و البته ناموفق‌تر بوده‌اند (هرسی و بلانچارد، ۱۹۷۷، ص ۲). به همین دلیل در میان علوم مختلف، این مشکل برای مدیریت رفتار سازمانی بیشتر و چالشی‌تر است؛ زیرا این رشته (بنا به ماهیت خود) مستقیماً به دنبال «پیش‌بینی رفتار انسان» و «کنترل رفتار او» است (اولگوین و دیگران، ۲۰۰۹؛ چندن، ۲۰۰۵، ص ۱۳). مدیریت رفتار سازمانی در «پیش‌بینی رفتار انسان» نیازمند وجود «مدل‌های توصیفی رفتار انسان»^۱ و در «کنترل رفتار انسان» نیازمند وجود «مدل‌های تجویزی رفتار انسان» می‌باشد. افزون بر این، در نظام نظریه‌پردازی، «مدل‌های توصیفی رفتار انسان» نقش زیرساختی داشته و به‌وسیله آنهاست که امکان توسعه «مدل‌های تجویزی رفتار انسان» نیز مهیا می‌شود. بر همین اساس می‌توان گفت که در علم مدیریت رفتار سازمانی به‌عنوان یک علم به اصطلاح «ناموفق»، از کلیدی‌ترین چالش‌های نظریه‌پردازی و توسعه علم، کمبود مدل‌های توصیفی رفتار انسان است که متناسب با موضوعات مورد نیاز در این علم توسعه داده شده باشند. بنابراین علم مدیریت رفتار سازمانی به تناسب تعریف و ماهیت خود از نیازمندترین علوم در بهره‌برداری از «مدل‌های توصیفی رفتار انسان» می‌باشد (نادلر و توشمن، ۱۹۸۰).

در یک جمع‌بندی مشخص می‌شود علم مدیریت برای توسعه نظری خود نیازمند توسعه مدل‌های توصیفی رفتار انسان می‌باشد. تولید این مدل‌ها مشکل است و با وجود استقبالی که فضاهای علمی از این مباحث داشته‌اند هنوز خلأ نظری نسبی در این زمینه وجود دارد. از سویی دیگر، یکی از سرمایه‌های اصلی که مدیریت اسلامی می‌تواند خود را با آن متمایز کند قابلیت بهره‌برداری از منبع غنی علم الهی در ارتقا و تکمیل دانش و درک بشری است. این تحقیق به دنبال کاهش این خلأ نظری با استفاده از قرآن کریم می‌باشد؛ که در صورت امکان استفاده از این منابع، تأثیر محدودیت‌ها و تحلیل‌های ناقص بشری به حداقل رسیده و خطوط روشنی را برای دیگر بررسی‌های علمی آشکار می‌سازد. بنابراین، به صورت مشخص این پژوهش به دنبال این مسئله است که با رجوع به منبع آسمانی اسلام یعنی قرآن حکیم، چه نکاتی را می‌توان در معرفی و یا تبیین چنین مدل‌هایی جدید از رفتار انسان به‌منظور بهره‌برداری در فضای مدیریت و کاربردهای مرتبط به آن استخراج کرد.

۱. در این نوشتار «مدل‌های رفتار» و «مدل‌های رفتاری» هر دو به معنی «مدل‌های توصیفی رفتار انسان» می‌باشند که به اقتضای متن از آنها استفاده می‌شود.

مفاهیم و ادبیات نظری

برای کسب درک صحیحی از مدل توصیفی رفتار انسان لازم است که مفهوم «مدل» و «مدل توصیفی» تعریف و جایگاه آنها در علم مدیریت مشخص شود. بدین وسیله می‌توان در بخش‌های بعدی مفهوم، ابعاد و جایگاه مدل‌های توصیفی رفتار انسان را در علم مدیریت بیان کرد.

۱. عینی و ذهنی

در اینجا برای اینکه بتوانیم بحث را پیش ببریم باید منظورمان از عینی و ذهنی را روشن‌سازی کنیم. عینی و ذهنی - در نگاه مختار این نوشتار - یعنی آن پدیده‌هایی که در ذهن فرد ملموس، روشن و قابل تصور با یکی از حواس پنجگانه باشد. و مفهوم مقابل آن ذهنی است. بنابراین علاوه بر اشیائی که در محیط پیرامون خودمان به روشنی ادراک می‌کنیم، حتی خوابی که در درون ذهن خودمان با جزئیات مشاهده می‌کنیم نیز - در اینجا - عینی محسوب می‌شوند. این ملاک از عینی و ذهنی هم مشابهت‌ها و هم تفاوت‌هایی با تعریف عینی و ذهنی برخی علوم دارد. و دلیل انتخاب چنین ملاکی از سوی ما این بوده که سازگاری بیشتری با مبحث مدل‌عینی‌پذیری در ادبیات دانش مدیریت و همچنین در قرآن کریم داشته باشد. مثلاً برخی محققین و فلاسفه هرچه که در بیرون ما اتفاق می‌افتد و ادراکش می‌کنیم را عینی (یا آفاقی) و هرچه در درون ما رخ می‌دهد (اعم از آنکه روشن و ملموس باشد یا مبهم) ذهنی تعریف می‌کنند. توجه شود این یک تعریف است و یک پژوهش مختار است که تعریف خاص خود را از متغیر مورد بررسی خود اختیار نماید؛ ولی باید آن را اعلان نماید.

بنابراین در اینجا چیزهای عینی یعنی آن چیزهایی که خودشان و ابعادشان با حواس ظاهری ما قابل فهم و ادراک هستند؛ و در مقابل ذهنی‌ها، چیزهایی هستند که با احساسات درونی یا پردازش ذهنی ادراک می‌شوند. مثلاً در ادبیات مدیریت - و موفقیت‌شناسی - به بخش قابل مشاهده شغل همچون حقوق، رتبه، ارتقاء بخش عینی، و به بخش مرتبط با متغیرهای ذهنی و روان‌شناختی همچون احساس مسئولیت، تعهد و رضایت بخش ذهنی می‌گویند (اسپورک و دیگران، ۲۰۱۴). همین سطح از تعریف برای پیشبرد این نوشتار کافی ارزیابی می‌شود؛ زیرا همین رویکرد به عینی و ذهنی را می‌توان در پژوهش‌های متعددی شناسایی کرد که موضوع‌شان بررسی ابعاد عینی و ذهنی یک موضوع بوده است. این ملاحظه وجود دارد که همین کلمات می‌توانند در جاهایی مثل فلسفه مفاهیمی گسترده‌تر یا کاملاً متفاوتی داشته باشند که ارائه و کاوش آنها دغدغه اصلی این بحث نیستند.

همچنین توجه شود که آنچه که در این مقاله به آن پرداخته شده عینی «پذیری» (Objectivity) (Acceptance) در شواهد و نشانه‌هاست و عینی «گرایی» (Objectivism) موضوع آن نمی‌باشد. یعنی موضوع کلی‌تر «گرایش به همه چیزهای عینی» موضوع بحث ما نیست. زیرا مدل عینی‌پذیری در مورد باورپذیری است و می‌خواهد مطابق با آیات قرآن کریم نشان دهد که انسان‌ها معمولاً در فرایند چگونگی رسیدن به اهداف‌شان (مثلاً هنگامی که تصمیم‌گیری می‌کنند) تمایل دارند که شواهد و نشانه‌های عینی بیشتری را در اختیار داشته باشند؛ ایشان چنین شواهد عینی را راحت‌تر می‌پذیرند و در مقابل شواهد ذهنی را بیشتر نادیده می‌گیرند و سخت‌تر براساس آنها به نتیجه‌گیری می‌رسند. این نکته مربوط به فرایند است و بنابراین نباید با دو موضوع -روبه‌رو- خلط شود؛ اینکه پژوهش حاضر بر ذهنی یا عینی بودن موضوع مورد تصمیم‌گیری تمرکز ندارد (یعنی ممکن است در پژوهشی مجزا به این نتیجه برسیم که انسان‌ها تمایل دارند که موضوع تصمیم‌گیری‌شان نیز عینی باشد و از موضوعات ذهنی اجتناب می‌کنند). و همچنین به این نکته نمی‌پردازد که آیا هدف و آرزوی انسان‌ها معمولاً عینی هستند یا ذهنی (ممکن است در پژوهشی به این نتیجه برسیم که بسیاری از آرزوها و خواسته‌های انسان‌ها ذهنی هستند) و به همین خاطر در بیان قرآن کریم برخی انسان‌ها برای اینکه خود را قانع کنند که به آرزوی جاودانگی‌شان -که موضوع و آرزویی ذهنی است- خواهند رسید، اقدامی عینی می‌کنند؛ بدین صورت که به «جمع‌آوری» و «شمارش» مالی می‌پردازند که برای ایشان حکم شاهدهی عینی را دارد (همزه، ۲-۳): «الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ * يُحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ».

۲. مدل

یکی از ابعاد اصلی «مدل توصیفی رفتار انسان»، «مدل» بودن آن است. برای آنکه مفهوم مدل بیشتر درک شود بایستی به مفهوم نظریه یا تئوری بیشتر دقت شود. نظریه، به تبیین نظام‌مند روابط بین پدیده‌ها می‌پردازد (نیومن، ۱۳۸۹) یعنی نظریه (یا همان تئوری) نشان‌دهنده نظامی از روابط بین پدیده‌ها، مفاهیم و ساخت‌هاست که در آن نظریه بیان می‌شود که چگونه مفاهیم، خصیصه‌ها و ساخت‌ها با یکدیگر ارتباط داشته و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. نظریه‌ها به دنبال پیش‌بینی رفتار چیزها و کنترل آنها هستند و هدف اصلی‌شان نیز همین می‌باشد (شومیکر، ۱۳۸۷، ص ۱۸). مدل‌ها اصلی‌ترین بخش نظریه‌ها هستند و این قرابت بین آنها به گونه‌ای است که این دو را معادل یکدیگر می‌دانند و گاهی به جای هم به کار می‌روند (کاپلان، ۱۹۶۴، ص ۲۶۴؛ سورین و تانکارد، ۱۹۹۷، ص ۴۵). زیرا نظریه‌ها آن نظامی را که می‌خواهند بین پدیده‌ها بیان کنند به وسیله مدل‌ها

بیان می‌کنند (باران و دیویس، ۱۹۹۵، ص ۲۵۱). یعنی مدل‌ها (در انواع مدل‌های ریاضی، ترسیمی، نوشتاری و...)، همان خروجی و محصول بروز یافته فرایند نظریه‌پردازی هستند (کرلایل و کلایتون، ۲۰۰۵).

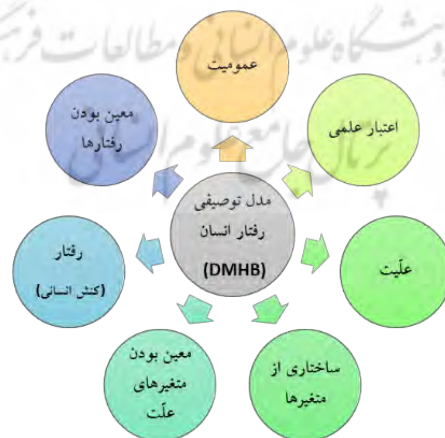
۳. مدل توصیفی رفتار انسان

موضوع اصلی علم مدیریت رفتار سازمانی، تبیین (مدل) رفتار انسان در ساحت سازمان می‌باشد (گریفین و مورهد، ۱۹۸۶، ص ۸). مدل‌های رفتار انسان از مباحث اساسی در مدیریت رفتار سازمانی هستند؛ زیرا مدل «تبیین‌کننده روابط علی مؤثر بر رفتار انسان می‌باشد» و از مفروضات بنیادین علم مدیریت رفتار سازمانی این است که رفتارهای انسان علت یا علت‌هایی دارد که این علم به شناسایی و معرفی آنها می‌پردازد (نادلر و توشمن، ۱۹۸۰؛ رابینز، ۲۰۱۳، ص ۱۱). ساختار علمی «مدل توصیفی رفتاری انسان» با توجه به ماهیت توصیفی و هدف پیش‌بینی‌کننده آن، به این صورت می‌باشد:

«انسان‌ها معمولاً به علت شرایط مشخص محیطی و یا حالات درونی x ، به صورت مشخص y رفتار می‌کنند»

در عبارت بالا - به‌عنوان نوع ایدئال مدل‌های توصیفی رفتار - هفت شاخص وجود دارند که مشترک و الزامی هستند.

این شاخص‌ها در نمودار ۱ آمده‌اند (عبداللهی نیسیانی و رضائیان، ۲۰۲۰):



نمودار ۱: شاخص‌های الزامی مدل‌های توصیفی رفتار انسان

روش تحقیق

روش تحقیق مختار برای انجام این تحقیق، «روش تحلیل محتوای کیفی تطبیق یافته با متن قرآن کریم» بوده است. این روش متناسب با روش تحلیل محتوا توسعه یافته که به تحلیل و استنتاج از متن می‌پردازد؛ ولی از آن جایی که متن قرآن کریم نسبت به متون دیگر بشری اقتضائات خاص خود را دارد و جهت تدبر و استنتاج از آن باید ملاحظات خاصی را به کار برد با شرایط تدبر در قرآن کریم متناسب‌سازی شده است.^۱ این روش تحقیق به صورت خاص تدبر محور است بدین صورت که به طور تخصصی به بررسی یک موضوع در قرآن کریم پرداخته و افزون‌بر تجویزی و گام‌به‌گام بودن، با الزامات رایج در روش‌های تحقیق علمی متناسب‌سازی شده است. این روش تحقیق هم در گام‌ها و هم در اصول با «روش تحلیل محتوای کیفی» مطابقت دارد (عبداللهی نیسیانی، ۱۳۸۷).

فرآیند بررسی و یافتن مدل رفتاری کامل عینی‌پذیری در قرآن				
عمومیت	علیت	معین بودن علت	رفتار	معین بودن رفتار
✓	-	-	✓	✓
✓	✓	-	✓	-
✓	✓	✓	✓	-
✓	✓	✓	✓	✓

بدین گونه با تحلیل محتوای کیفی آیات - که در ادامه چگونگی آن توضیح بیشتری داده می‌شود - به تدریج الزامات یک مدل رفتاری کامل نهایی شده و در نهایت به صورت یک مدل عینی ارائه می‌شوند. به همین خاطر دقت شود که آیاتی که در ادامه مورد استفاده و استدلال هستند دو گروه هستند. برخی از آیات تکمیل‌کننده اجزای مدل رفتاری به شکل بالا هستند؛ اما برخی دیگر نقشی اساسی در شکل‌گیری مدل نهایی ندارند ولی به دقت و کیفیت دستاورد پژوهشی ما کمک می‌کنند (مانند آن آیاتی که به واژه‌شناسی رأی، آیه، و مثل در قرآن پرداخته‌اند) و به عنوان شواهدی اطمینان‌بخش از خود قرآن کریم در تایید مدل استنباط شده ما عمل می‌کنند (مانند آیاتی که به ماجرای خاص حضرت ابراهیم و حضرت موسی (علیهم‌السلام) پرداخته‌اند).

اعتبار علمی این پژوهش براساس معیارهای تعریف‌شده در روش تحلیل محتوای کیفی ارزیابی می‌شود. از آن جایی که این پژوهش مبتنی بر «روش تحلیل محتوای کیفی» بوده است

۱. در توسعه این روش تحقیق، و در متناسب‌سازی آن با اقتضائات قرآنی از «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» بهره‌برداری زیادی شده است (لسانی فشارکی و مرادی‌زنجانی، ۱۳۹۱).

قابلیت اطمینان^۱ علمی خود را به وسیله عمل به توصیه‌های مشخصی که سه جنبه قابلیت اعتبار^۲، قابلیت اعتماد^۳ و قابلیت انتقال^۴ در آنها لحاظ شده بوده به دست آورده است (زنگ و ویلدموث، ۲۰۰۹). یعنی برای بررسی متن توصیه‌هایی ارائه شده است که به صورت تطبیق یافته با متن قرآن این توصیه‌های اطمینان‌بخش بدین وسیله محقق شدند: انجام تحقیق مقدماتی در قرآن کریم در یافتن کلیدواژه‌های ورود به تحقیق، پژوهش مفصل در تعیین شاخص‌های عینی برای شناسایی مدل‌های توصیفی رفتار انسان، تعداد زیاد و قابل قبول کلیدواژه و آیات بررسی شده، انطباق و مستندسازی نکات به دست آمده از متن با منابع مختلف و معتبر تفسیری، ارائه نتایج تحقیق و اخذ نظرات تعداد زیادی از کارشناسان مرتبط در زمینه‌های معارف اسلامی، مدیریت، اقتصاد و روان شناسی،^۵ دقت در انتخاب واحدهای معنای تحلیل براساس تعیین رکوعات قرآنی (سیاق آیات)، افزایش دقت تحلیل متن قرآن کریم با استفاده از نرم‌افزارهای مربوطه و آشنایی چندین ساله با ابعاد روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم و اجرای کامل مراحل آن (عبداللهی‌نسیانی، ۱۳۸۷).

کلیدواژه مورد بررسی این پژوهش «انسان» بوده است که این کلیدواژه پس از پژوهشی مقدماتی و نسبتاً طولانی جهت یافتن مدل‌های رفتاری انسان، مناسب تشخیص داده شد (همان). با جستجوی آیات حاوی این کلیدواژه و آیات قبل و بعد مرتبط (که به مجموع این آیاتی که به یک زمینه واحد می‌پردازند سیاق گفته می‌شود) ۷۴۷ آیه‌ای که انسان‌ها را تجزیه و تحلیل و بررسی می‌کردند شناسایی شدند. همچنین به خاطر اینکه برخی سوره‌ها همچون قیامه و اسراء بسیار پرتکرار به موضوع انسان و تحلیل رفتار او می‌پرداختند، این سوره‌ها به صورت کامل بررسی شدند. و بنابراین مجموع آیه‌های بررسی شده جهت استنتاج مدل عینی‌پذیری و برخی مدل‌های رفتاری دیگر به ۸۱۴ آیه رسید.

نمونه‌ای از برگه‌های یادداشت که چگونگی انجام تجزیه و تحلیل مستند مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن را در خود دارد در شکل زیر مشاهده می‌شود. در این برگه یادداشت مواردی همچون نحوه طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل، استناددهی، سازماندهی مفاهیم، ارجاعات متقابل بین مفاهیم، سطوح مختلف کدگذاری و انتزاعی‌سازی منعکس شده است:

1. Trustworthiness.
2. Credibility.
3. Dependability.
4. Transferability.

۵. در داخل و خارج از کشور.

<p>ردیف ۳۶</p> <p>لَا يَسَامُ الْإِنْسَانُ مِنْ دَعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَوْسُقَنْوْطُ</p> <p>۴۹-فصلت- ۴۱ (۴۵-۵۴)</p>	
۱. سأم دو مفهوم همزمان آزردهگی (ملاله) و رنجوری (تضجر) را دارد. (مصطفوی، ۱۴۳۰ هـ، ج ۵، ص ۱۰).	
۲. سیری ناپذیری و شدت مطلوبیت طلبی: انسان همیشه نسبت به طلب خیر (مطلوبیت) انگیزه دارد. او هیچ وقت در طلب خیر (مطلوبیت) دلزده، دل آزرده و بی انگیزه نمی‌شود. این شدت و سیری ناپذیری انسان را در مطلوبیت طلبی می‌رساند. (لا یسام) (مرتبط با ۲۶-۱۰) (مطلوبیت طلبی انسان- و آنه لحب الخیر لشدید: ۲-۷)	
۳. اگر انسان احساس کند که نامطلوب به او رسیده (و آن مسه الشر) دیگر انتظار دریافت خیری را ندارد و بی توقع می‌شود (یئوس) و اصلاً ناامید می‌شود. (قنوط) (مرتبط با نکته ۳۶-۱۰؛ وجود ارتباط با مدل ردیف قبل که البته در همین رکوع و سیاق است) (مفهوم مرتبط در مدل رفتاری ۲۵-۷) (مرتبط با ۳۶-۱۵: حساسیت به نامطلوب)	
۴. یأس یعنی انتظار نداشتن مثلاً در قرآن می‌گوید و اللاتی یسن من المحیض من تساکم (زنانی که دیگر انتظار حیض شدن ندارند) (مصطفوی، ۱۴۳۰ هـ، ج ۱۴، ص ۸) یکی از نکات جالب یأس ناظر به آینده بودن آن است، یعنی دیگر در آینده نکته مثبتی را نمی‌بینند.	
۵. قنط یعنی نومید شدن (مصطفوی، ۱۴۳۰ هـ، ج ۹، ص ۳۶۱)	

نمونه بررسی‌های مستندسازی شده در فرایند تحقیق^۱

تحلیل قرآنی تأثیر عینی‌پذیری بر رفتار انسان

تأثیر عینی‌ها بر میزان اطمینان درونی انسان

کلید واژه‌های محوری در بررسی این مدل «مَثَل»، «آیه» و «رأی» می‌باشند؛ زیرا مفهوم مشترک میان هر سه این کلمات عینیت، قابل مشاهده و محسوس بودنشان می‌باشد.

از لحاظ لغت‌شناسی، مَثَل به معنای نمونه و مصداق است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۱، ص ۲۴)؛^۲ و «صرف مثل» به معنای آوردن نمونه‌های عینی متعدد و متنوع می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۰۲).^۳ آیه نیز به معنای نشانه می‌باشد و چیزی است که مقصودی را نشان می‌دهد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۲۰۲). اصل معنای رأی نیز، نگریستن و مشاهده نمودن

- این قسمتی از ده‌ها صفحه برگه یادداشتی هست که در فرایند تکمیل در طی روش تحقیق قرار داشته‌اند؛ و محتوای ذکر شده در آن نهایی نیستند. یعنی طبق روال پیشرفت پژوهش بر غنای مطالب به‌دست آمده اولیه افزوده شده است.
- أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ مَسَاوَاةٌ شَيْءٍ بِشَيْءٍ فِي الصِّفَاتِ الْمُمْتَازَةِ الْمَنْظُورَةِ... وَ الْمَثَلُ: صِفَةٌ مَشْبَهَةٌ كَحَسَنِ بِمَعْنَى مَا يَتَّصِفُ بِالْمَثَلِيَّةِ وَيُثَبِّتُ فِيهِ هَذَا الْعَنْوَانَ.
- تصريف الأمثال ردها و تکرارها و تحویل‌ها من بیان إلى بیان و من أسلوب إلى أسلوب، و المثل هو وصف المقصود بما يمثله و يقربه من ذهن السامع.

است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۱۶). در قرآن کریم در موارد بسیار زیادی به «رؤیت آیات» به معنای «دیدن نشانه‌ها» اشاره شده است و از انسان خواسته که با دیدن نشانه‌ها چیزی را بپذیرد. گویا یکی از روش‌های قرآن در اقناع مخاطب انسانی خود، نشان دادن و جلب توجه او به همین نشانه‌هاست. علامه طباطبایی می‌فرماید که قرآن کریم «رؤیت» را به کار می‌برد چون در میان دیگر روش‌های ادراک عینی از یک چیز (همچون شنیدن و لمس کردن...) واضح‌ترین و محسوس‌ترین مورد است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۷۷). در جریان مکالمه حضرت موسی (علیه السلام) با خداوند متعال در میقات، حضرت موسی (علیه السلام) درخواست جالب توجهی می‌کند. در این واقعه حضرت موسی (علیه السلام) از خداوند متعال می‌خواهد که او را ببیند و خداوند برای آنکه به او بقبولاند چنین چیزی ممکن نیست «شاهدی عینی» به او نشان می‌دهد و او را به خاطر این درخواست توبیخ نمی‌کند.

«وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَن تَرَانِي وَلَكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ»^۱

در این آیه لازم است در عبارت «أَرِنِي أَنظُرْ إِلَيْكَ» دقت شود؛ حضرت موسی (علیه السلام) از خداوند درخواست می‌کند که ذات خداوندی به او نمایانده شود (أَرِنِي) تا بتواند او را ببیند (أَنظُرْ إِلَيْكَ). پس رؤیت با نظاره هم معنا نیستند و تفاوت دارند. در این آیه حضرت موسی (علیه السلام) وقتی از خداوند درخواست ادراک عینی او را داشته، از واژه «أَرِنِي» که از ریشه «رَأَى» است استفاده کرده است؛ و با این عبارت از خداوند می‌خواهد که برای او «قابلیت ادراک عینی» پیدا کند تا بتواند به او بنگرد.^۲ به عبارتی دیگر، در بیان قرآن کریم میان «رؤیت» و «نظر کردن» تفاوت وجود دارد. به این صورت که «رؤیت» به معنای «ایجاد قابلیت ادراک عینی» بوده و «نظر» نیز به معنای «مشاهده کردن» می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۸، ص ۳۰۴). در نتیجه، در بیان قرآن کریم رأی به معنای «ایجاد ادراک عینی» می‌باشد؛ یعنی چیزی را به‌طور ملموس احساس کردن و درک نمودن که یکی از مصادیق آن دیدن با چشم است.

۱. اعراف، ۱۴۳.

۲. ممکن است چنین ملاحظه‌ای در کنار این بحث پیش آید که: در اینجا چنین درخواستی از حضرت موسی (علیه السلام) -با توجه به اینکه پیامبر و آگاه بوده‌اند- خارج از شأن ایشان بوده. اگر درخواست رؤیت با چشم را خلاف شأن حضرت موسی (علیه السلام) بدانیم بنابراین بایستی این رؤیت را از جنس رؤیت شهودی بدانیم و همچنین عینیتی که مطرح شده را هم نوعی عینیت شهودی در نظر بگیریم. در هر صورت در این نوع نگاه باز هم ما قائل به تأثیر عینیت -اگرچه از نوع شهودی آن- بر اطمینان و رفتار حضرت موسی (علیه السلام) شده‌ایم و مشکلی در نتیجه‌گیری این پژوهش ایجاد نمی‌کند.

وقتی صحبت از امور عینی می‌شود در مقابل آن امور ذهنی قرار می‌گیرد. البته هر دو اینها حقیقت‌هایی در عالم هستند که متناسب با ظرفیت نظام ادراکی انسان این‌گونه به امور عینی و ذهنی تقسیم شده‌اند؛ همچون خداوند متعال، که در داستان موسی علیه السلام معلوم شد ادراک او خارج از ظرفیت نظام ادراکی انسان می‌باشد. امور عینی امور ملموس و محسوس شده برای نظام ادراکی انسان - معمولاً - از طریق حواس ظاهری انسان می‌باشند؛ در مقابل آن امور ذهنی اموری هستند که از طریق تفکر و یا استدلالات عقلی برای انسان آشکار می‌شوند. در نگاه قرآن کریم به تفاوت این دو توجه شده است. در جریان «چگونگی زنده شدن مردگان» حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند می‌خواهد که به عینه نشان دهد که چگونه امکان زنده کردن مردگان وجود دارد. خداوند می‌فرماید: مگر ایمان نداری؟ حضرت ابراهیم علیه السلام تأکید می‌کند که در عین اینکه ایمان دارد؛ ولی قلباً آرامش و اطمینان ندارد. این واقعه در آیه ۲۶۰ سوره بقره این‌گونه آمده است:

«وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذَا يَمْوُتُ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ».

طبق این آیه بین اطمینان قلب و آرامش درونی که نتیجه ادراک عینی یک پدیده است و ایمان که نتیجه استدلال و باور عقلی می‌باشد و امری تحلیلی و ذهنی است تفاوت وجود دارد. علامه طباطبایی با تأیید این نکته توضیح می‌دهد که گاهی ممکن است میان محسوسات و مشاهدات عینی با نتایج ذهنی و عقلی تفاوت باشد. بدین معنا که عقل از طریق استدلالات خود برای شما نتیجه‌ای می‌آورد که هنوز انسان با ادراکات خود آنها را احساس نکرده است. انسان تا به آن ادراکات عینی نرسد آرامش خود را به دست نمی‌آورد. از این رو داشتن ایمان با نداشتن اطمینان تعارضی ندارد «قَالَ أَرَأَيْتَ إِذَا يَمْوُتُ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي»؛ و این دو مفهوم مستقل از یکدیگر هستند. فرار کردن انسان از جسد مرده نیز ناشی از همین تفاوت است؛ زیرا عقل به انسان باورانده که مرده جسدی بی‌تحرك است، ولی هنوز ادراک عینی و محسوس برای فرد ایجاد نشده که به آن نتیجه عقلی اطمینان درونی پیدا کند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۵۷۳-۵۷۴). به همین دلیل نتیجه ناشی از ادراک عینی فقط پذیرش پدیده یا چیزی نیست، که چنین نتیجه‌ای در ایمان هم وجود داشت. در بیان قرآن بین نتیجه ایمان و ادراک عینی تفاوتی وجود دارد و آن این است که انسان افزون بر پذیرش آن چیز، در عمل نیز نسبت به آن مستحکم‌تر و راسخ‌تر می‌شود.

در موارد متعدد در قرآن کریم مشاهده می‌شود که ادراکات عینی انسان بر حالات درونی و رفتار او تأثیر دارد و باعث می‌شود که انسان اطمینان، ثبات و آرامش درونی بیشتری داشته باشد.

از این رو چنین فردی در رفتارش بیشتر نسبت به پدیده‌هایی که با ادراک عینی به صورت ملموس ارتباط داشته مستحکم و تغییرناپذیر می‌شود. در جریان حضرت ابراهیم (علیه السلام) بیان شد که ادراکات عینی اثر مستقیمی بر میزان آرامش خاطر و پذیرش درونی او دارد (رَبِّ أَرْنِي - لِيُطَمِّئَنَّ قَلْبِي). در تأییدی دیگر، در آیه ۷۷ سوره مبارکه یاسین «عکس نقیض» همین نکته را بیان می‌کند. یعنی اگر انسان نسبت به موضوعی مقابله می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که او آن موضوع را به صورت عینی ادراک نکرده است: «أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ». «یر» از ریشه «رأی» می‌آید که به معنای ادراک عینی چیزی می‌باشد. در این آیه به سبب استفهام انکاری می‌پرسد: مگر انسان درک عینی و ملموسی از خلقت خود ندارد که این‌گونه در حالت مقابله قرار گرفته است؟ در این آیه به نوعی تلاش می‌کند که یکی از شواهد عینی که انسان به آن توجه نداشته را به او یادآوری کند. از این رو در بیان قرآن انتظار می‌رود (حالت استفهام انکاری) که به طور طبیعی وقتی انسان نتواند با مشاهداتش چیزی را ادراک کند (لَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ) به مقابله و معارضه با آن بپردازد (فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ) (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۷، ص ۱۶۶). مجدداً در آیه بعدی (آیه ۷۸) همان فضای عینی‌پذیری انسان‌ها وجود دارد. در اینجا نیز بیان می‌کند که این فرد برای نشان دادن قابل‌پذیرش نبودن یک ادعا، نیز نمونه‌ای عینی می‌آورد (وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا - قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ). در اینجا یادآوری می‌شود که مثل به معنای نمونه عینی می‌باشد. بنابراین آیه ۷۸ می‌فرماید که او برای ما یک نمونه عینی از استخوان‌هایی پوسیده و متلاشی شده را به شاهد آورده تا امکان زنده شدن مردگان را به چالش بکشد. آنچه که در مورد این آیات قابل توجه است این است که خداوند با عینی‌گرایی انسان نه تنها مقابله نکرده، حتی با آن همراهی می‌کند؛ زیرا چنین چیزی، امری طبیعی و لازم برای انسان می‌باشد و بنابراین خداوند با همین سبب برای انسان استدلال می‌کند. مثلاً، در جریان حضرت ابراهیم (علیه السلام) برای او شاهد عینی از «چگونگی» زندگی پس از مرگ (کیف تحی الموتی) که امری ذهنی و مربوط به آینده است می‌آورد. یا در جریان درخواست ادراک عینی خداوند از سوی حضرت موسی (علیه السلام)، وی را توییح نمی‌کند و با شاهد عینی (تجلی للجبل - جعله دکا) به حضرت موسی (علیه السلام) پاسخ می‌دهد. در آیه‌های ۷۷ تا ۷۹ سوره یاسین هم در پاسخ به شبهه‌ای که انسان به وسیله استخوان‌های پوسیده مطرح کرده بود، به همان سبب عینی محور پاسخ می‌دهد. به اینکه اگر انسان به شواهدی که در دسترسش می‌باشد توجه کند - مانند خلقت خودش از نطفه و اینکه یک بار کسی او را زنده کرده - می‌تواند زنده شدن استخوان‌های پوسیده را نیز باور کند: «أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ». چنین تأکیدی به یادآوری

شواهد و نشانه‌ها در قرآن کریم فراوان است. مثلاً در آیه ۶۷ سوره مریم همین خلقت انسان را به او با لفظ «ذکر» یادآوری می‌کند (أَوَلَا يَذُكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا). ذکر به معنای توجه کردن است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۳۴۳).^۱ بنابراین قرآن کریم با توجه دادن انسان به پدیده‌های عینی به او کمک می‌کند که نسبت به برخی چیزها باورمند و مستحکم شود.

در شرایطی که انسان این‌گونه با ادراکات عینی آرامش می‌یابد و می‌تواند در قضاوت نسبت به پدیده‌ها محکم‌تر و با ثبات بیشتری موضع‌گیری نماید، پس تمایل پیدا می‌کند که بر ادراک بیشتر و عینی‌تر پدیده‌ها اصرار و پافشاری نماید. این نکته را آیه ۳۷ سوره مبارکه انبیاء تأیید کرده و بیان می‌کند تا انسان شواهد عینی^۲ را ادراک نکند همچنان در عجله و اصرار برای کسب آنها می‌باشد (خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيحُكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونَ).^۳ البته همان‌گونه که فهمیده می‌شود عینی‌پذیری انسان و در پی آن تغییرناپذیر شدن او براساس آخرین شواهد عینی، منجر محدودیت‌های مهمی در شناخت و تصمیم‌گیری انسان می‌شود؛ زیرا انسان به میزانی که پدیده‌ها عینی باشند آنها را می‌پذیرد و بر آنها مستحکم می‌شود و غیر این را نه تنها نمی‌پذیرد که حتی با آن مقابله نیز می‌کند. به همین دلیل است که انسان در بیان قرآن به خاطر همین عینی‌پذیری اش بسیار سرسخت و تغییرناپذیر توصیف شده است.

در آیه ۵۴ سوره کهف می‌فرماید به علت آنکه انسان به سختی باورهای محکم شده قبلی را کنار می‌گذارد، قرآن کریم برای تغییر در برخی باورهای مردم، از تمامی نمونه‌های عینی ممکن به ایشان عرضه نموده است - در اینجا نیز خداوند به‌طورکامل با این ویژگی انسان همراهی کرده است - (وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا). «جدل» در اصل لغوی خود به معنای سرسختی می‌باشد؛ یعنی اینکه فرد به سختی از مسیر قبلی خود کوتاه بیاید. به همین دلیل به کار کسانی که با هم بحث کرده و از نظر خود دفاع می‌کنند را مجادله می‌گویند. و به همین دلیل است که در زبان عربی، نام‌های ظرف و طناب و زمین محکم را براساس ریشه جدل گذاشته‌اند (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۷۶-۷۷). این آیه می‌فرماید که هیچ موجودی همانند انسان چنین مستحکم نیست (وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا)؛ این عبارت «تعلیلیه» بوده و علت عبارت قبل خودش را بیان می‌کند. در نتیجه معنای این آیه چنین می‌شود که این سرسختی انسان مربوط به عینی‌پذیری اوست (صَرَّفْنَا مِنْ كُلِّ مَثَلٍ)؛ زیرا با محدودیت‌های

۱. أن الأصل الواحد في هذه المادة: هو التذکر في قبال الغفلة والنسيان، وهذا المعنى أعم من التذکر بالقلب أو باللسان.
 ۲. در اول بحث بیان شد که از لحاظ لغت‌شناسی آیه به معنای نشانه عینی است. ر.ک: معنی آیه و «رویت آیه» در همین بخش.

۳. تأیید در طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۸۸: «استعجالاً برؤية الآيات».

زیاد و به سختی چیز دیگری را قبول می‌کند. توجه شود که عبارت «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» در مورد انسان بیان شده و «مطلق» است. بنابراین، طبق بیان آیه ۵۴، این سرسختی هم در بین انسان‌ها رواج دارد (الانسان) و هم اینکه در موضوعات مختلف چنین سرسختی‌ای دارد (اطلاق عبارت).

تأثیر عینی‌پذیری بر جهت‌گیری رفتار و تصمیمات انسان

در یک جمع‌بندی می‌توان نتیجه گرفت که در بیان قرآن کریم امور عینی و امور ذهنی در نظام ادراکی انسان از یکدیگر متفاوت می‌باشند؛ و اگر انسان عینیت بیشتری را ادراک نماید پذیرش بیشتری داشته، مستحکم‌تر می‌شود و بیشتر احساس ثبات و آرامش^۱ می‌کند. و در مقابل اگر به صورت عینی چیزی را ادراک نکند نه تنها بر آن مستحکم نمی‌باشد، بلکه ممکن است که به انکار و مقابله با آن بپردازد. به همین دلیل انسان بر دستیابی به شواهد عینی بیشتر اصرار دارد.

اما در بیان قرآن کریم، همین عینی‌گرایی در معرفت‌پذیری انسان نیز با محدودیت‌هایی همراه است. مثلاً در برخی شرایط، انسان‌ها شواهد عینی در دسترس‌شان را کم‌ارزش و پیش‌پاافتاده قلمداد کرده و به آن ارزش کافی نمی‌دهند (آیه ۹۴ سوره اسراء - أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَّسُولًا؛ آیه ۸۹ سوره اسراء - وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا؛ آیه ۶۷ سوره مریم - أَوْلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا؛ آیه ۹۸ سوره اسراء - بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَأَنذَرْنَا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا). همچنین در آیه‌هایی که قرآن کریم از عبارت‌های «أَوْ لَا يَذْكُرُ»^۲ یا «أَوْ لَمْ يَرَ»^۳ یا «أَوْ لَمْ يَرَوْا»^۴ استفاده کرده به این محدودیت و نقص در عینی‌پذیری انسان اشاره می‌نماید. به دلیل همین محدودیت‌ها و خلل‌ها است که انسان برای پذیرش یک حقیقت، بر ادراک عینی خود آن حقیقت را اصرار می‌کند و یا تعداد بیشتر و متنوع‌تری از شواهد عینی را مطالبه می‌کند؛ و از این‌رو گاهی مطالبه‌های او غیر منطقی و غیر معقول می‌شود (غیر معقول همانند مورد ذکر شده در آیه ۹۵ سوره اسراء: «قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْسُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَّسُولًا»). غیر منطقی همانند درخواست‌های ذکر شده در آیات ۹۰-۹۳ سوره اسراء: وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنبُوعًا * أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارَ خِلَافَهَا تَفْجِيرًا * أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتِ عَلَيْنَا كَسَفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَ

۱. اطمینان به معنای ثبات و آرامش است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۱۴۷).

۲. مریم، ۶۷.

۳. یاسین، ۷۷؛ انبیاء، ۳۰.

۴. رعد، ۴۱؛ نحل، ۴۸؛ اسراء، ۹۹؛ شعراء، ۷؛ عنکبوت، ۱۷-۱۹ و ۶۷؛ روم، ۳۷؛ سجده، ۲۷؛ یاسین، ۷۱؛ فصلت، ۵۱؛ احقاف، ۳۳؛ ملک، ۱۹.

الْمَلَائِكَةَ قِيَالًا * أَوْ يَكُونُ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرِفٍ أَوْ تَرْفَىٰ فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُفَيْكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا (تأیید در طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۰۴-۲۰۵).^۱

همچنین انسان به این علت که به دنبال حداکثر کردن عینیت در ادراکات خود می‌باشد، به ظهور عینی و بی‌واسطه یک پدیده بیشتر از نشانه‌های با واسطه آن پدیده اهمیت می‌دهد؛ زیرا عینیت ادراک شده از مشاهده خود پدیده (یا حقیقت) بیشتر از نشانه‌های حاکی از آن می‌باشد. در همین راستا، آیه ۱۴۳ سوره اعراف به بیان درخواست رؤیت خود خداوند باری تعالی از سوی حضرت موسی (علیه السلام) پرداخت (أرني انظر اليك). جالب آنکه آیه‌های ۱۰۲-۱۴۳ - که حضرت موسی (علیه السلام) این درخواست را از خداوند نمود- توضیح می‌دهند که حضرت موسی (علیه السلام) قبل این درخواست به پیامبری برگزیده شده بوده و به‌سوی فرعون رفته و به او معجزه‌های خود را نشان داده بوده و سپس خداوند او را به یک ملاقات و خلوت ۴۰ روزه دعوت می‌کند. پس این درخواست ادراک عینی از سوی انسانی مطرح شده است که به خداوند بیشتر ایمان آورده و بنده خاص او شده است؛ اما باز از خداوند می‌خواهد که به‌گونه‌ای خودش را برای او به صورت عینی قابل ادراک نماید (ربّ أرني- انظر اليك). شبیه این درخواست نیز در درخواست چگونگی زنده کرده مردگان از سوی حضرت ابراهیم (علیه السلام) مشاهده شد که خداوند خود کیفیت زنده شدن مردگان را به او نشان داد (ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا). همچنین از این آیه‌ها معلوم می‌شود که انسان حتی اگر از شواهد و دلایل ذهنی قوی (همچون ایمان قوی) برخوردار باشد، برای کسب اطمینان نیازمند شواهد عینی می‌باشد؛ و در نتیجه انسان جهت افزایش اطمینان خود، وزن بیشتری به شواهد عینی در مقایسه با دلایل ذهنی می‌دهد. قرآن کریم در آیات ۳۷ تا ۳۹ سوره انبیاء این نکته‌ها را با بیان دیگری تأیید می‌کند: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ * وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ * لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ».

۱. باورمندی انسان به خداوند و آخرت: شرایطی برای انسان مهیا شده که اگر طالب حقیقت باشد می‌تواند به خداوند و آخرت مطمئن گردد؛ زیرا برای هدایت انسان، خداوند امکانات لازم را در او قرار داده و به او ابزارهای ادراک عینی مانند دیدن و شنیدن اعطا نموده (انسان، ۲-۳: إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ - فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا. إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)؛ همچنین نشانه‌های لازم پذیرش را نیز در محیط قرار داده، همچون نشانه‌های متعدد ایجاد کننده باور به خداوند و آخرت در محیط پیرامون (ولقد صرّفنا فی هذا القرآن من کلّ مثل، ضرب مثل فاستمعوا له، آیات آخرت، آیات خداوند). به‌همین دلیل است که در فضای آیات مورد بحث در سوره انبیاء به نشانه‌های مختلف الهی اشاره شده و بیان می‌کند که اینها برخی نشانه‌های عینی (وجود کلمه «آیات») در آیه ۳۲ و محسوس (وجود عبارت «ا و لم یری») در آیه ۳۰ از سوی خداوند هستند که برای اقتناع و پذیرش انسان‌ها عرضه شده‌اند. در این آیه‌ها به جداسازی آسمان و زمین، ایجاد زندگی براساس آب، عدم لرزش زمین به‌واسطه کوه‌ها، وجود راه‌ها برای عبور و مرور، محافظت از سکنه زمین به‌وسیله سپر آسمان، گردش شب و روز و خورشید و ماه، وجود مرگ برای همه کسی استناد شده است.

طبق آیه ۳۷، این عجله در انسان در مورد مطالبه عینیات است نه ذهنیات (فاء استنتاجیه در: سَأْرِيكُمْ آيَاتِي - «ف» - لَا تَسْتَعْجِلُون). در دو آیه ۳۷ و ۳۸ بیان می‌کند حتی گاهی انسان در مقابل شواهد عینی، دلایل ذهنی تحلیلی را بدون توجه به اهمیت زیادشان نادیده می‌گیرد. دو کلمه «آیات» و «وعد» با هم تفاوت مفهومی دارند؛ زیرا «آیه» به معنای نشانه مفهومی عینی است و «وعد» مفهومی تحلیلی و ذهنی بوده و بنابراین غیرعینی است. از همین روست که خداوند در پاسخ مناسب به عجله انسان‌ها آیه‌های عینی را معرفی می‌کند (سأْرِيكُمْ آيَاتِي). علامه مصطفوی هم در معنای آیه همین عینیت را اشاره می‌کند و بیان می‌کند هر مصداقی که نشان‌دهنده جلب توجه و ایجاد تمایل به سمت چیزی بشود آیه (نشانه) می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۲۰۳). همچنین وعده امری غیرعینی و ذهنی است؛ زیرا یک خبر از رخدادی در آینده است که وعده دهنده، وعده ایجاد آن را داده است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۳، ص ۱۵۹).^۱ آیه‌های ۳۸ و ۳۹ سوره انبیاء - همسو با بسیاری دیگر از آیه‌های قرآن کریم - بیان می‌کنند که برخی از انسان‌ها به جای نشانه، خود وعده‌های عذاب را مطالبه می‌کنند؛ و می‌گویند این وعده‌هایی که می‌گویید و نشانه‌هایش را بیان می‌کنید کی خودشان می‌رسند تا بتوانیم ببینیم (آیه ۳۸ سوره انبیاء - وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ) و آن را تصدیق کنیم (إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ). در کمال تعجب مشاهده می‌شود که آنها اصلاً به عوارض خطرناک این درخواست خود توجهی ندارند (آیه ۳۹ - لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ...) چون در نظر ایشان اینها صرفاً وعده‌هایی (ذهنی) می‌باشند و به آن محکم و مطمئن نشده‌اند. اینها کسانی‌اند که نتوانسته‌اند به نشانه‌های عینی هم که خداوند برای پذیرش‌شان ارائه کرده راضی بشوند (آیه ۳۷ - سَأْورِيكُمْ آيَاتِي) (تأیید در طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۸۸).^۲ این نکته بسیار مهمی در تحلیل رفتار انسان بوده و نیازمند توجه است؛ زیرا در اینجا اشتباه انسان برای درک عینی به رفتار ضد عقلایی (Antirational) منجر شده است. چنین رفتار ضد عقلایی در تصمیم‌گیری ضد عقلایی توضیح داده شده است (عبداللهی نیسیانی، ۲۰۱۰). یعنی در حالت عقلایی (Rational) کسانی که کافرند - به‌عنوان یک انسان - نباید عذاب‌های الهی را مطالبه می‌کردند؛ زیرا عقل حسابگر ایجاب می‌کند که در عین اینکه کافرند و به وعده‌های عذاب داده شده باور ندارند و احتمال پایینی در وقوع آن می‌دهد؛ ولی در مقابل شدت عذاب‌های توصیف شده آنچنان سهمگین و شدید است که میزان امید ریاضی (Value Expected) این کار را بالا می‌برد؛ و عقلایی آن است که افراد را از چنین مطالبه‌ای باز دارد و باید آنها منطقی‌اً اجتناب نمایند.

۱. الوعد - بصيغة المجزء... - تدلّ علی مطلق التعهد علی أمر سواء كان بخیر أو بشر.

۲. فإنهم لا یقنعون بما جاءتهم من الآيات.

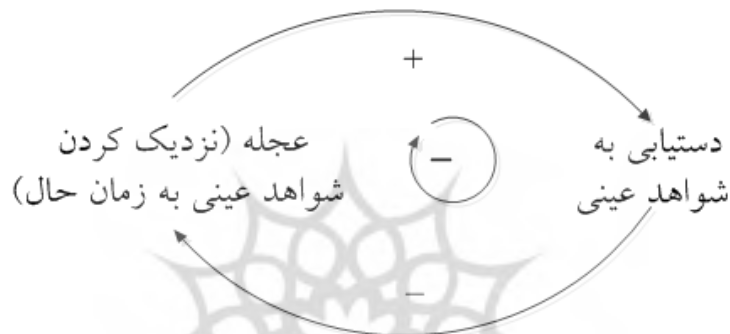
مانند کسی که باور نکرده اسلحه‌ای پر است و برای اثبات پر بودن آن درخواست بکند که به او شلیک کنند تا قانع شود! ولی در ادامه قرآن کریم مجدداً نسبت به وجود این رفتار انسان، مؤید محکم‌تری را اضافه می‌کند؛ اینکه چنین اشتباهی از قبل هم سابقه داشته و امری رایج در رفتار انسان است که هم اکنون نیز ادامه دارد (انبیاء آیه ۴۱): **وَلَقَدْ اسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ**.

پس روشن شد، دلایل ذهنی دلیلی هستند که انسان نمی‌تواند با ابزارهای احساسی خود آنها ادراک عینی نماید و مثلاً لمس کند یا ببیند. اینها دلایلی هستند که یا هنوز روی نداده‌اند (مانند روز قیامت، زنده شدن مردگان، عذاب‌های جهنمی و وعده‌های بهشتی) و یا اینکه امکان ادراک عینی آنها نیست (مانند ذات باری تعالی که در واقعه درخواست حضرت موسی **عَلَيْهِ السَّلَام** به آن پرداخته شد). اما قرآن کریم برای اقناع انسان نسبت به این موارد نیز راهکاری ارائه کرده؛ و آن ارائه نشانه‌ها و شواهدی عینی از این مفاهیم ذهنی است که معمولاً در لسان قرآن به «آیه» و یا «مثل» تعبیر می‌شود.

تا اینجا مشخص شد که در نظام ادراکی انسان، ادراک عینی خود پدیده نسبت به نشانه‌های عینی آن پدیده اولویت دارد؛ ولی در همین میان، مسئله زمان نیز نقش مهمی در ادراک عینی انسان دارد. به عبارت دیگر، هرچه نشانه یا پدیده‌ای بیشتر به زمان حال حاضر فرد ادراک کننده نزدیک باشد، بیشتر برای او ملموس و عینی است. پس انسان که به دنبال حداکثر نمودن عینیت‌ها در ادراکات خود است تلاش می‌کند که پدیده‌ها در اسرع وقت و در نزدیک‌ترین زمان ممکن به حال حاضر ظهور عینی پیدا کنند. این تمایل و اصرار انسان منجر به عجله در او می‌شود. عجله یعنی درخواست وقوع چیزی پیش از موعد طبیعی خود. به همین دلیل در بیان قرآن کریم این دو جنبه عجله و ادراک عینی در انسان، عجین و ملازم یکدیگر ذکر شده‌اند. مثلاً در آیاتی که از سوره انبیاء که بحث شد به خوبی رابطه عجله انسان و تمایل برای نشان دادن نشانه‌ها نیز روشن شده است (**خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ**). در آیه ۳۷ می‌فرماید که به زودی نشانه‌های عینی دیگر (س: سین تسویف به معنای به زودی - **أُرِيكُمْ** - آیاتی) برای شما ارائه خواهد شد پس عجله نکنید (ف: ف استتاجیه به معنای در نتیجه - **لَا تَسْتَعْجِلُونِ**).^۱ پس عجله مربوط به تمایل به

۱. این امکان نیز در معنای این فراز از آیه (**سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ**) نیز وجود دارد که مفهومی تهدیدآمیز داشته باشد و در پاسخ مستقیم به آیات قبل باشد و نه قسمت اول همین آیه (**خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ**). یعنی عبارت (**سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ**) در واقع یک جمله معترضه باشد در پاسخ به آیات قبلی. در این حالت نیز مشکلی در نکته به دست آمده ما از این آیه پیش نمی‌آید. زیرا در این حالت نیز منظور از کلمه «آیه» همان تهدیدهای عینی و ملموسی هستند که قرار است به زودی بر کسانی واقع شوند. یعنی بیان می‌شود که مهلت نشانه‌های پیش از عذاب در حال تمام شدن است - اما شما باز هم مطالبه شواهد عینی می‌کنید - و این بار آیه‌هایی که به شما نازل خواهند شد، خود آن تهدیدها هستند (مفهومی تهدیدآمیز دارد).

در اختیار داشتن شواهد عینی انسان است. در این آیه تأکید می‌کند که این عجله انسان امری ذاتی و مربوط به اصل خلقت اوست «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ». می‌توان فراز و نشیب در آیه ۳۷ را با نمودار تحلیل سیستمی در یک چرخه با لوپ منفی نمایش داد (نمودار ۳). در این چرخه فرایند را این‌گونه بیان می‌کند: (۱) عجله زیاد (خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ)، (۲) سپس دستیابی به شواهد عینی (سَأْرِكُمْ آيَاتِي)، (۳) در نتیجه کاهش خلأ شاهد عینی و بنابراین عجله کمتر مورد انتظار (لَا تَسْتَعْجِلُونَ)؛ «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأْرِكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونَ».



نمودار ۳: رابطه عجله و عینی‌پذیری در انسان

در آیه بعدی هم (آیه ۳۸) مجدداً تأکید بر زودطلبی انسان می‌کند و می‌فرماید این انسان‌هایی که با نشانه‌های الهی قانع نشده‌اند بی‌صبرانه پیگیر تحقق زودتر خود تهدید می‌شوند (وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ).

در آیات دیگر نیز همین موضوع قابل مشاهده است. در سوره کهف آیات ۵۴ و ۵۵ بیان می‌فرماید که انسان نسبت به شواهد عینی بسیار سرسخت است (وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا) و به همین دلیل در قرآن کریم از انواع شواهد و موارد عینی ذکر شده (وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ).

نتیجه‌گیری و ارائه مدل ترسیمی

مجموع نکاتی را که پیشتر در باب تبیین مدل عین‌پذیری انسان ذکر شد می‌توان به صورت نمودار ۴ در پایین نشان داد:



نمودار ۴ نشان می‌دهد که انسان به دنبال ادراک عینی پدیده‌هاست و به منظور ادراک عینی خود به دنبال ادراک پدیده‌ها در نزدیک زمان ممکن به حال حاضر و همچنین ادراک آن پدیده‌ها بدون واسطه می‌باشد. ادراک عینی در انسان باعث ایجاد اطمینان رفتاری در انسان شده به این صورت که در تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌های خود محکم‌تر و با ثبات‌تر می‌شود. به این دلایل، در رفتار انسان مشاهده می‌شود که برای ادراک عینی بیشتر و بهتر در وقوع پدیده‌ها تعجیل کرده و تمایل دارد که خود پدیده‌ها را با حداقل واسطه ادراک نماید. همچنین عینی‌پذیری، انسان را به سمت توجه و ارزش‌گذاری بیشتر در ابعاد عینی گزینه‌ها سوق می‌دهد. یعنی منجر به نوعی سوگیری در انسان می‌شود که او تمایل دارد آن ابعادی را در ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری خود مدنظر قرار دهد که عینیت بیشتری دارند و به ابعاد ذهنی توجه لازم را نخواهد داشت.

مدل عینی‌پذیری انسان چون یک مدل توصیفی از رفتار انسان است از ابعاد لازم برای جای‌گذاری در ساختار نگاره نوع ایدئال برخوردار می‌باشد. در قالب ایدئال تصریح می‌شود که این ویژگی مربوط به نوع رایج انسان‌هاست و همچنین مشخص می‌شود که کدام متغیرها تأثیر علی بر کدام رفتارهای مشخص از انسان دارند. در نگاره ۲ مدل عینی‌پذیری انسان براساس ساختار نوع ایدئال ارائه شده است:

نگاره ۱: نوع ایدئال مدل عینی‌پذیری

(Y) as Behave	(X) situations of Because	Usually (s) HUMAN
رفتار مشخص Y دارد	به‌علت X (شرایط و حالات مشخص شده)	انسان معمولاً
<ul style="list-style-type: none"> • به‌دنبال آنست که شواهد بیشتر و عینی‌تری از محیط خود به‌دست آورد. • تلاش می‌کند که در نزدیک‌ترین زمان ممکن به‌حال حاضر آن پدیده یا شواهدش را ادراک کند و بنابراین اقدام به تعجیل در وقوع آنها می‌کند. یعنی به‌دنبال تحقق آن پدیده و شواهدش در زمانی سریع‌تر و پیش از موعد طبیعی آن خواهند بود. • در تصمیم‌گیری‌ها و تحلیل‌های خود به شواهد عینی موجود وزن بیشتری نسبت به دلایل ذهنی می‌دهد تا آنجا که گاهی دلایل ذهنی تحلیلی را بدون توجه به اهمیتشان نادیده می‌گیرد. • تصمیماتی می‌گیرد که تأیید‌کننده شواهد عینی باشند. 	<ul style="list-style-type: none"> • ادراکات عینی انسان بر رفتار او مؤثر است. منظور از ادراک عینی پدیده‌ها، ادراک مبتنی بر احساسات ملموس انسانی و در حال حاضر اوست. • انسان تمایل دارد که رخدادها و محیط خود را عینی‌تر ادراک کند. • انسان به میزانی که نسبت به یک پدیده ادراک عینی‌تری داشته باشد در هنگام قضاوت نسبت به آن آرامش بیشتری داشته و همچنین پذیرش و اقبال بیشتری خواهد داشت. یعنی انسان‌ها هرچه بیشتر اطمینان ناشی از ادراک عینی داشته باشند محکم‌تر و سرسختانه‌تر نسبت به قضاوت خود پایبند می‌شوند. موارد زیر بر ادراک عینی انسان‌ها در یک پدیده مؤثرند: رابطه بی‌واسطه‌تر و نزدیک‌تر فرد با یک پدیده منجر به ادراک عینی‌تری از آن پدیده می‌گردد. در نتیجه در مقام مقایسه می‌توان گفت که این شرایط به ترتیب: (۱) بروز عینی خود پدیده‌ها از (۲) بروز عینی شواهد حاکی از آن پدیده‌ها از (۳) وعده‌ها و تحلیل‌های ذهنی در امکان وقوع یک پدیده، در نظام ادراکی انسان عینی‌تر محسوب شده و در نتیجه برای او ترجیح دارد. نزدیکی به زمان حال منجر به ادراک عینی‌تری از آن پدیده می‌شود. از این رو، به ترتیب پدیده‌هایی که در (۱) حال حاضر اتفاق می‌افتند از (۲) پدیده‌هایی که در آینده اتفاق خواهند افتاد عینیت بیشتری داشته و انسان ادراک عینی‌تری نسبت به آنها می‌تواند داشته باشد و این برای او ترجیح بیشتری دارد. بنابراین: انسان به‌منظور قضاوت نسبت به پدیده‌ها یا تصمیم برای گزینه‌ها به‌دنبال حداکثر کردن ادراک عینی خود می‌باشد و در نتیجه...: 	انسان معمولاً

جایگاه علمی و کاربردی مدل عینی‌پذیری

مدل عینی‌پذیری به تبیین تأثیر عینیت بر رفتار انسان می‌پردازد؛ و به همین دلیل کاربردهای مهم و گسترده‌ای در مباحث مربوط به رشته مدیریت، مانند رفتار سازمانی و مالیه داشته که ارائه خواهند

شد. همچنین در این بخش نتایج یک پژوهش بازاریابی که مؤید برخی ابعاد مدل عینی‌پذیری بوده و یک مثال کاربردی از سیاست‌گذاری عمومی بر مبنای این مدل ارائه شده است.

مدل عینی‌پذیری انسان وجوه مشترک بسیار زیادی با نظریه ناهماهنگی شناختی^۱ دارد. این نظریه یک مدل توصیفی از رفتار انسان ارائه می‌کند که در علوم مختلف همچون روان‌شناسی عمومی و مدیریت رفتار سازمانی شناخته شده و معتبر می‌باشد. در مدل عینی‌پذیری و نظریه ناهماهنگی شناختی بیان می‌شود که انسان به دنبال حداکثرسازی اطمینان و ثبات خود است و به همین دلیل با علت‌های برهم‌زننده این اطمینان و ثبات مقابله می‌کند. البته مدل عینی‌پذیری نکته مهمی را در تبیین جایگاه شواهد عینی و ذهنی نسبت به ایجاد یا اخلال اطمینان اضافه می‌کند. در مدل عینی‌پذیری تأکید می‌شود که شواهد عینی بر اطمینان انسان تأثیرگذارند و به همین دلیل است که انسان معمولاً به دلایل ذهنی و تحلیلی در مقابل شواهد عینی بی‌اعتنایی کرده و یا حتی مقابله می‌کند.^۲

ارتباط مدل عینی‌پذیری انسان با مالیه در مباحث سرمایه‌گذاری قابل مشاهده است؛ زیرا در سرمایه‌گذاری دو ویژگی مهم وجود دارد و آن زمان و ریسک است. اهمیت دو موضوع یادشده به آن علت است که سرمایه‌گذار در حال حاضر به میزانی معین پول، صرف می‌کند در حالی که پاداش حاصل از آن در آینده به دست می‌آید و مسائل مربوط به آینده نیز معمولاً با عدم اطمینان همراه است. «آینده» و «احتمال سود یا ضرر»^۳ هر دو پدیده‌هایی هستند که در مدل عینی‌پذیری انسان به آنها به‌عنوان پدیده‌هایی ذهنی نگاه می‌شود و انسان نسبت به آنها واکنش‌های رفتاری خاصی دارد. از این منظر رفتار سرمایه‌گذار به‌عنوان کسی که با دو موضوع ذهنی و خلاف میل طبیعی انسان مواجهه دارد قابل تحلیل است.

همچنین مدل عینی‌پذیری در چگونگی تصمیم‌های او شدیداً مؤثر است. نمودار ۴ اصرار در ادراک بی‌واسطه پدیده و همچنین نادیده گرفتن جنبه‌های ذهنی گزینه‌ها را دو بعد عینی‌گرایی ذکر می‌کند که در رفتار انسان‌ها مؤثر هستند. کاهنمن و تورسکی^۴ (مبدعان نظریه چشم‌انداز) در یکی از مطالعات شناخته‌شده خود عواملی را معرفی می‌کنند که با تبیین‌های ارائه شده در مدل عینی‌پذیری مطابقت‌های قابل توجهی دارد. آنها به بررسی دو متغیر «نمایندگی»^۵ و «شواهد در

1. Cognitive Dissonance Theory.

۲. ر. ک: فستینگر، ۱۹۵۷؛ فستینگر، ۱۹۵۹؛ فستینگر، ۱۹۶۴.

۳. ر. ک: بحث وعده‌های ذهنی در مدل عینی‌پذیری.

4. Kahneman and Tversky

5. Reoresentativeness.

دسترس^۱ پرداخته و تأثیر عمده آنها در تصمیم‌گیری انسان‌ها بیان می‌کنند (تورسکی و کاهنمان، ۱۹۷۴). نمایندگی به معنای آن است که پدیده A به چه میزان حاکی از پدیده B می‌باشد. هر قدر این دو به هم نزدیک‌تر باشند نمایندگی A برای B بیشتر بوده و افراد با اطمینان بیشتری براساس A در مورد B تصمیم می‌گیرند. این شبیه نکته‌ای است که در مدل عینی‌پذیری در بحث «ادراک بی‌واسطه پدیده‌ها» بیان شد. انسان تمایل دارد که ادراک بی‌واسطه‌تر و مستقیم‌تری نسبت به پدیده‌ها داشته باشد تا بتواند با اطمینان بیشتری نسبت به آنها تصمیم‌گیری نماید. به همین دلیل ادراک خود پدیده‌ها را در مقایسه با نشانه‌های عینی آنها و در مقایسه با دلایل ذهنی حاکی از آنها ترجیح می‌دهد. این مفهوم، معادل مفهوم «نمایندگی بیشتر» در تحقیقات کاهنمن و تورسکی است. در همین راستا مدل عینی‌پذیری اضافه می‌کند که یکی از ابعادی که می‌تواند نمایندگی یک پدیده را تقویت کند «عینی و ملموس» بودن آن است. همچنین کاهنمن و تورسکی «شواهد در دسترس ادراک انسان» را دیگر دلیل سوگیری در تصمیم‌های او می‌دانند. این نکته‌ای است که در مدل عینی‌پذیری ذیل «نادیده گرفتن ابعاد ذهنی گزینه‌ها» توضیح داده شد. مدل عینی‌پذیری بیان می‌کند که انسان آنچه را در قضاوت خود مورد توجه قرار می‌دهد که بیشتر و بهتر ادراک کرده باشد؛ و مهم‌ترین عامل در ادراک روشن از یک پدیده، ادراک عینی آن است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در عین مشابهت‌های این دو بحث، مدل عینی‌پذیری انسان براساس مفهوم شواهد عینی نکات جدیدی را نیز ارائه می‌کند.

همچنین در مدل عینی‌پذیری انسان ادعا شد که ادراک عینی منجر به تصمیم‌های محکم و مطمئن‌تری برای فرد می‌شود. نتایج مطالعات علمی که در دانشگاه شیکاگو بر روی رفتار مشتریان انجام شد می‌تواند به‌عنوان آزمون اعتبار سنجی مدل عینی‌پذیری مطرح شوند. در این بررسی‌ها ۳ سری آزمون از ۷۵۰ شرکت‌کننده گرفته شد و در آن به دنبال بررسی آن بودند که چگونه مشتری‌ها می‌توانند به کالاهایی که خریده‌اند اطمینان بیشتری داشته باشند. در این بررسی سطح استحکام و اطمینان مشتری به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد و نتیجه به‌دست آمده این بود که متغیر اصلی تأثیرگذار بر اطمینان مشتری، میزان ادراک و تفکر عینی مشتری از کالایی که خریداری کرده می‌باشد. به این صورت که وقتی مشتریان با توجه به جزئیات کالا و توضیحاتی که در تبلیغات آن کالا آمده، آن را خریداری می‌کنند، ادراک عینی‌تری از آن داشته و سطح اطمینان‌شان به خریدشان بالا می‌رود. در مقابل مشتریانی که با تفکر ذهنی کالایی را «انتخاب» و خریداری کرده‌اند از سطح اطمینان کمتری به انتخاب خود برخوردار بوده‌اند (تیسای و مک‌گیل، ۲۰۱۱).

1. Availability of Instances.

یک پیشنهاد کاربردی دیگر در استفاده از مدل عینی‌پذیری ارائه سیاست‌های مؤثر در کاهش تصادفات جاده‌ای می‌باشد. با وجود آنکه هر ساله تعداد زیادی از رانندگان در حوادث جاده‌ای صدمه‌های شدید جانی و مالی می‌بینند، بسیاری از آنها تمایلی به احتیاط برای اجتناب از چنین خطری ندارند. این مسئله را می‌توان از منظر مدل عینی‌پذیری تحلیل کرد. از یک‌سو، در شرایط موجود رانندگی انگیزاننده‌های عجله و سرعت در افراد وجود دارد. مثلاً افراد در صورت رانندگی سریع‌تر، تابلوهای فاصله تا مقصد بیشتری را مشاهده خواهند کرد و براساس شواهدی از این دست، به صورت عینی و مستمر نزدیک شدن خود را به مقصد ادراک می‌کنند. آنان کسب شواهد عینی بیشتر برای نزدیک شدن به مقصد را ملازم افزایش سرعت اتوموبیل درمی‌یابند و تمایل دارند که عجله کنند (عجله شرطی شده برای کسب عینیت بیشتر). از سوی دیگر، در سیاست‌های فعلی به‌منظور کاهش تصادف، بر اهمیت و شیرینی زندگی یا توضیح تلخی تصادف در اثر سرعت زیاد و عبرت‌گیری از حوادث گذشته تأکید می‌شود که همه، اموری تحلیلی و ذهنی بوده و - مطابق با مدل عینی‌پذیری - تأثیر رفتاری چندانی ندارند.^۱ بنابراین رانندگان در چنین شرایطی تمایل دارند که عجله کرده و سرعت خود را افزایش دهند و این منجر به تصادفات بیشتر می‌شود. طبق مدل عینی‌پذیری، سیاست‌های مؤثر آن است که از یک‌سو شواهد عینی نزدیک شدن به مقصد کم شوند؛ مثلاً تعداد تابلوهای نشان‌دهنده مسافت تا مقصد کم شوند؛ و از سوی دیگر بر عینیت امکان تصادف در سرعت افزوده شود؛ مثلاً تابلوهایی در مسیر نصب شوند که میزان احتمال تصادف در هر مقدار سرعت را نشان می‌دهند (استفاده از ترجیح‌گزینه رفتاری عینی‌تر).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ر.ک: مطالبی که در این نوشتار در مورد ترجیح‌گزینه رفتاری عینی‌تر از سوی انسان‌ها ارائه شد؛ مثلاً: تفاوت باورمندی افراد در مواقعی که با وعده یا نشانه مواجه می‌شوند.

منابع

- * قرآن کریم
۱. شومیکر، پاملا. جی. (۱۳۸۷)، نظریه‌سازی در علوم اجتماعی، مترجم: م. عبداللهی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
 ۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیرالمیزان، مترجم: س. موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۴. عبداللهی نیسیانی، علی (۱۳۸۷)، «روش تحلیل محتوای کیفی تطبیق‌یافته به منظور تحقیق در متن قرآن کریم»، آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۲۸.
 ۵. لسانی فشارکی، محمدعلی و حسین مرادی‌زنجانی (۱۳۹۱)، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، قم: بوستان کتاب.
 ۶. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (نسخه ۴)، لبنان-بیروت: دارالکتب العلمیه-مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
 ۷. نیومن، لاورنس (۱۳۸۹)، شیوه‌های پژوهش اجتماعی، رویکردهای کمی و کیفی، مترجم: ح. دانایی‌فرد و س. ح. کاظمی، تهران: نشر مهربان.
 8. Abdollahi Neisiani, A. (2010), Anti-Rartional Decision Making. *AJBM (African Journal Of Business Manangement)* , 4 (8) , 1652-1653.
 9. Abdollahi Neisiani, A & Rezaeian, A. (2020), Ideal type of behavioral models in management researches; a theory building approach. *Journal of Economics and Administrative Sciences* , 3(S3), pp. 1143-1156.
 10. Baran, S. J. , & Davis, D. K. (1995), *Mass communication theory; foundations, ferment, and future* (4th ed.). Wadsworth Pub. Co.
 11. Carlile, P. R. , & Christensen, C. M. (2005 , February), The Cycles of Theory Building in Management Research. *Harvard Business School Working Paper, No. 05-057.*
 12. Chandan, J. (2005), *Organizational Behaviour* (3rd ed.). Delhi: Vikas Publishing House Pvt. Ltd.

13. Festinger, L. (1957), *A Theory of cognitive dissonance*. Stanford, CA: Stanford University Press.
14. Festinger, L. (1959), Some attitudinal consequences of forced decisions. *Acta Psychologica*, 15, 389-390. doi:10. 1016/s0001-6918 (59) 80203-1
15. Festinger, L. (Ed.). (1964), *Conflict, decision, and dissonance (Vol. 3)*. Stanford University Press.
16. Griffin, R. W. , & Moorhead, G. (1986), *Organizational behavior*. Boston: Houghton Mifflin Co.
17. Hersey, P. , & Blanchard, K. H. (1977), *Management of organizational behavior: Utilizing Human Resources* (third ed.). Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
18. Kaplan, A. (1964), *The conduct of inquiry: Methodology for behavioral sciences*. San Francisco: Chandler.
19. Nadler, D. , & Tushman, M. (1980), A model for diagnosing organizational behavior. *Organizational Dynamics*, 9 (2) , 35-51. doi:10. 1016/0090-2616 (80) 90039-x.
20. Olguín, D. O. , Gloor, P. A. , & Pentland, A. (2009). Capturing Individual and Group Behavior with Wearable Sensors. *AAAI Spring Symposium: Human Behavior Modeling*, 68-74.
21. Robbins, S. , & Judge, T. (2013), *Organizational behavior* (15th ed.). Boston: Pearson.
22. Severin, W. J. , & Tankard, J. W. (1997), *Communication theories: Origins, Methods, and uses in the mass media* (4th ed.). New York: Longman.
23. Tsai, C. , & McGill, A. (2011), No Pain, No Gain? How Fluency and Construal Level Affect Consumer Confidence. *The Journal Of Consumer Research*, 37 (5) , 807-821. doi:10. 1086/655855.
24. Spurk, D., Abele, A., & Volmer, J. (2014), The career satisfaction scale in context: A test for measurement invariance across four occupational groups. *Journal of Career Assessment*, 10, 1-19.
25. Tversky, A. , & Kahneman, D. (1974), Judgment under Uncertainty: Heuristics and Biases. *Science*, 185 (4157), 1124-1131. doi:10. 1126/science. 185. 4157. 1124.

26. Zhang, Y. , & Wildemuth, B. M. (2009), Qualitative analysis of content. In B. Wildemuth (Ed.), *Applications of Social Research Methods to Questions in Information and Library Science* (pp. 308-319). Westport, CT: Libraries Unlimited.

